



۲۰۱۹/۱۲/۲۳

حامد نوید

فریاد



رفت بردار هر آنکه لب نانی دزدید شد عزیز دو جهان آنکه جهانی دزدید
تا به کی صبر کنی خالق یکتای جهان که زانصاف تهی گشته ضمیر انسان
سالها شد که درین غمکده در میهن من خیل گرگان به خروش آمده چون اهریمن
نه دگر طفل امان دارد ونی مرد ونه زن رسم و آئین عدالت شده بر دار زدن

ایزدا رحم بکن رحم که این ملت سوخت

میهن و خانه و کاشانه ازین آفت سوخت

عده خلق بگفتند و هزاران کشتند عده نیز به نام تو فراوان کشتند

نام تو بر لب و هر روز شب انسان کشتند بر در کفر دویدند و مسلمان کشتند

ای خدایا سببی ساز که ملت شده خوار

ظالمان غره و بس بی گنهان بر سر دار

ملتی غرق به خون است و اجیران شادند که به حکم دگران تکیه به مسند دادند
کشته در راه تو شد آنکه ترا نیک شناخت سوخت در آتش و با دشمن دین تو نساخت

گرچه فرزند و سروجان همه در راه تو باخت

شد بری عاقبت آنکس که به آئین تو تاخت

نه درین بادیه آبیست نه بانگ جرسی نه دگر گوش کسی بشنود آواز کسی

قدر انسان شده افسوس برابر به خسی بفرست باز خدایا تو یکی داد رسی

تا امارت نکند آنکه جهانی دزدید

نشود کشته اگر گُرسنه نانی دزدید

بنما عدل خدائیت که تو سلطانی

رو به درگاه تو آریم که تو رحمانی

**** * * * * ****

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده هایی از این نویسنده، شاعر و هنرمند بی بدیل افغانستان جناب حامد نوید را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس شان در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

فَریاد

H_naweed_faryaad.pdf